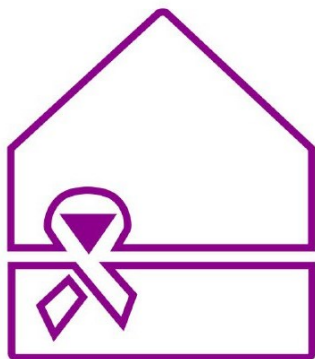


چرا به قانون خشونت خانوادگی علیه زنان نیاز داریم؟



کارزار منع خشونت خانوادگی

اهمیت و ضرورت انتشار این دفترچه

«خشونت خانوادگی» از شایع‌ترین انواع خشونت‌های مبتنی بر جنسیت است که در حوزه خصوصی و میان افرادی رخ می‌دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط خونی یا قانونی به یکدیگر پیوند خورده‌اند. آمار جهانی نشان می‌دهد که از هر سه زن، یک زن خشونت خانوادگی را در طول زندگی خود تجربه می‌کند. کارزار منع خشونت خانوادگی با تدوین و انتشار این دفترچه راهنما بر آن شده است تا ضمن بیان تعاریف پایه‌ای، آمار و آثار این نوع خشونت، ضرورت شکل‌گیری و نحوه مشارکت در این کارزار را برای مخاطبان تشریح کند تا کسانی که تجربه این نوع خشونت را دارند یا شاهد آن هستند، بتوانند با آگاهی قدم‌های موثری برای مقابله با آن بردارند. شما نیز می‌توانید با بازنشر و پخش این دفترچه، در فرآیند گسترش آگاهی و اهداف دیگر این اقدام جمعی مشارکت داشته باشید.

تعریف خشونت خانوادگی علیه زنان

هرگونه عمل یا ترک عمل، گفتار تهدیدآمیز، تحقیرآمیز و محدودکننده از طرف مردان خانواده نسبت به زنان در محیط خانوادگی که موجب زیان جسمی، جنسی، روانی، اقتصادی و اجتماعی شود را خشونت خانوادگی علیه زنان می‌گویند.

انواع خشونت خانوادگی

- **خشونت جسمی:** طیف وسیعی از اعمالی که سلامت جسمی زنان را به خطر می‌اندازد مانند کتک زدن، کشیدن مو، ناقص سازی و کشتن زنان (قتل‌های ناموسی)، سقط جنین و...
- **خشونت جنسی:** اعمال جنسی که باعث رسیدن آسیب‌های جنسی به زنان می‌شود مانند تجاوز محارم، استثمار جنسی و ازدواج در سنین کودکی، نگاه کردن، لمس کردن و رابطه جنسی بدون رضایت و...

- **خشونت روانی:** رفتار و اعمالی که باعث به خطر افتادن سلامت روانی زنان می‌شود. رفتارهایی مانند حبس خانگی، بی‌توجهی، اجبار به قطع ارتباط با فامیل و سایر دوستان، تهدید به جداسازی کودکان و ازدواج مجدد، ازدواج اجباری، ایجاد احساس ترس و گناه، فحاشی و تحقیر و...
- **خشونت اقتصادی:** محروم یا محدود کردن دسترسی و کنترل زنان به منابع و منافع اقتصادی مانند جلوگیری از استقلال مالی، در تنگنا قرار دادن زن علی‌رغم توانایی مالی، در دست گرفتن اختیار ارث یا پس‌انداز زن، فشارهای مربوط به تهیه جهیزیه و...
- **خشونت اجتماعی:** سلب حق انتخاب سبک و راه و روش زندگی از زنان و ممانعت ایجاد کردن در برابر انتخاب شغل، روابط اجتماعی و تحصیل.

عوامل بروز خشونت خانوادگی

خشونت علیه زنان به‌عنوان مسئله‌ای پیچیده و چند علتی شناخته می‌شود که صاحب‌نظران رشته‌های گوناگون علوم انسانی و تجربی از زوایای مختلف به آن پرداخته‌اند. برخی از دانشمندان علوم زیستی و پزشکان، علل بروز خشونت را در عوامل زیستی همچون ژنتیک، هورمون‌ها و قدرت عضلانی جستجو می‌کنند. برخی از اندیشمندان علوم رفتاری و روانکاو، مسائل و اختلالات روانی در افراد را علت بروز خشونت می‌دانند. اما طرفداران منشأ اجتماعی خشونت، عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را در ظهور آن مؤثر می‌دانند و بر نقش آموزش و تربیت در پیشگیری از خشونت و کنترل آن تأکید می‌کنند.

در تبیین اجتماعی علل بروز خشونت می‌توان گفت که انتظارات جامعه از نقش و رفتارهای زن و مرد متفاوت است. نقشی که رسوم و هنجارهای فرهنگی به مرد می‌دهد، قدرت اقتصادی او در جامعه و خانواده، و هنجاری بودن پرخاشگری برای او، مردان را بیشتر به عاملان خشونت و زنان را به قربانیان آن تبدیل می‌کند. همین عوامل درهم‌تنیده سبب گسترش خشونت می‌شوند و همین‌جا است که بحث ضرورت قانون برای مهار خشونت پیش می‌آید، قانونی که توازن قدرت را بین زنان و مردان رقم بزند و با هرگونه خشونتی به‌مثابه آسیب اجتماعی با جدیت مقابله کند.

طبق قوانین ایران مرد رئیس خانواده و نان‌آور خانه است. در فرهنگ مردسالار، زنان اموال و دارایی مردان محسوب می‌شوند. برای مثال، مردان حق خود می‌دانند که هرگونه رفتار خشونت‌آمیز و تحقیرآمیز را با زنان انجام دهند. علاوه بر نگاه و رفتار سلطه‌گرایانه، مشکلات اقتصادی، اعتیاد به مواد مخدر و الکل، و بیماری‌های روانی، به خشونت علیه زنان دامن می‌زند.

زنانی که به لحاظ اقتصادی فرودست هستند یا زنان متعلق به اقلیت‌های مذهبی، قومی و ملی شرایط دشوارتری در مواجهه با خشونت دارند. برای نمونه دسترسی آن‌ها به منابع ضروری برای اجتناب یا خروج از موقعیت خشونت‌آمیز محدودتر است. دسترسی به وکیل و خدمات مشاوره، داشتن زمان کافی و سواد و تحصیلات لازم برای پیگیری روندهای طولانی و پیچیده اداری و قضایی، داشتن چشم‌اندازی برای تهیه مسکن و شغل پس از ترک رابطه‌ی خشونت‌آمیز و غیره عواملی هستند که بر توانایی زنان برای رویارویی با خشونت خانوادگی تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، عواملی که زنان را به انزوا می‌کشاند، مانند تحمیل زبان معیار بر زنان متعلق به اقلیت‌های زبانی و عدم امنیت زنان مهاجر در فضای عمومی جامعه میزبان و در مراجعه به مراجع قضایی یا پلیسی آن، آن‌ها را در مقابل خشونت بی‌دفاع می‌کند.

آثار خشونت خانوادگی

خشونت، سلامت جسمی، روانی و اجتماعی زنان را به خطر می‌اندازد و اعتماد به نفس آنان را از بین می‌برد. خشونت ابتدا به انواع افسردگی و اضطراب در زنان را بیشتر می‌کند و مانع فعالیت و مشارکت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زنان می‌شود. خشونت از دستیابی زنان به حقوق و منافع اولیه جلوگیری می‌کند. بعلاوه، خشونت خانوادگی، تأثیرات ناخوشایندی بر رشد و پرورش فرزندان به دنبال دارد. همچنین هزینه‌های سنگین اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر دوش جامعه می‌گذارد.

آمارهایی درباره خشونت خانوادگی

خشونت تجربه‌آشنایی برای اغلب زنان است. آمارهای بین‌المللی می‌گویند از هر سه زن یک نفر در طول زندگی خود مورد خشونت جنسی یا فیزیکی از سوی همسر یا نزدیکان خود قرار گرفته

است. نتیجه ۴۸ پیمایش در سال ۲۰۰۲ از سراسر جهان نشان می‌دهد که بین ۱۰ تا ۶۹ درصد زنان گزارش کرده‌اند که در مقطعی از زندگی مورد آزار شریک جنسی خود قرار داشته‌اند. در سال ۲۰۱۲ نیمی از زنان مقتول، توسط اعضای خانواده یا نزدیکان خود به قتل رسیده بودند؛ این آمار درباره مردان ۱ نفر از هر ۲۰ نفر بوده است. در اروپا بین ۴۵ درصد تا ۵۵ درصد از زنان، پس از ۱۵ سالگی شاهد آزار جنسی بوده‌اند. نتایج پیمایش ملی خشونت علیه زنان سال ۲۰۰۰ در آمریکا گویای این است که سالیانه حدود ۴٫۸ میلیون تجاوز جنسی و حمله جسمی به زنان رخ می‌دهد.^۱

در ایران آمار منسجمی درباره خشونت علیه زنان وجود ندارد. تنها مطالعه کشوری انجام شده در ۲۸ مرکز استان کشور است که نتایج آن در سال ۱۳۸۳ توسط وزارت کشور به صورت محدود منتشر شد. در این مطالعه ملی، شاخص کلی خشونت خانگی از اول زندگی مشترک تا کنون در میان کل پاسخگویان نشان می‌دهد که ۶۶٫۳ درصد از کل افراد مورد مطالعه از اول زندگی مشترک تا کنون خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند. همچنین، شاخص کلی خشونت خانگی در طول یک سال گذشته نشان می‌دهد که ۵۳ درصد از پاسخگویان مورد مطالعه در طول یک سال گذشته درگیر خشونت بوده‌اند.^۲ حدود ۷۰ درصد از آزارهای جنسی به ثبت رسیده در سال ۱۳۸۶ به آزار جنسی دختران اختصاص داشت که فقط ۲۵ درصد آن‌ها توسط دیگر افراد جامعه و عوامل خارجی، تحت خشونت قرار گرفته بودند و ۷۵ درصد در فضای خانه تجربه شده بود.^۳

از جمله پیامدهای خشونت خانوادگی علیه زنان، اقدام به خودکشی در میان آنان است. یافته‌های تحقیقی در تهران نشان می‌دهد که بین مورد خشونت قرار گرفتن زنان از سوی همسرانشان با تمایل آنان به افکار خودکشی همبستگی وجود دارد.^۴ در بررسی‌ای که در تهران در میان زنان متأهلی که دست به خودکشی زده بودند صورت گرفته، نتایج نشان می‌دهد که بیش از یک‌سوم

۱. وامقی، مروثه. (۱۳۹۰) «خشونت خانوادگی» منتشر شده در گزارش وضعیت اجتماعی ایران، تهران: موسسه رحمان.

۲. قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۸۵). تحقیق ملی بررسی خشونت خانگی علیه زنان. مرکز مشارکت امور زنان نهاد ریاست جمهوری و وزارت کشور. تهران.

۳. افزایش نگران‌کننده کودک آزاری، خبرآنلاین، ۱۴ شهریور ۱۳۸۸

۴. خسروی، زهره و خاقانی فرد، میترا (۱۳۸۳). بررسی رابطه همسرآزاری با تمایل به افکار خودکشی و آسیب رسانی به همسر. مجله مطالعات زنان. سال دوم. شماره ۶

موارد، ازدواج اجباری داشته‌اند. همچنین نیمی از اقدام‌کنندگان به خودکشی از شوهران خود می‌ترسیدند و دوسوم آن‌ها مورد خشونت شوهر خود قرار داشتند.^۵ از موارد دردناک خودکشی زنان، خودسوزی زنان در برخی از مناطق ایران است. در بررسی علل خودسوزی زنان، خشونت خانگی علیه آنان یکی از مهم‌ترین عوامل بوده است. به طور نمونه، در تحقیقی که به «بررسی علل اقدام به خودکشی به روش خودسوزی» در خرم‌آباد پرداخته، یافته‌ها نشان داد که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر خودسوزی، مورد تحقیر و تمسخر قرار گرفتن و ضرب و شتم توسط همسر و دیگران مطرح شده است.^۶

کاستی‌ها و پراکندگی قوانین موجود و فقدان یک قانون جامع منع خشونت خانوادگی

در حوزه خشونت خانگی علیه زنان در کشور ما، قوانین معدودی وجود دارد که برخی از آن‌ها به خشونت جسمانی و برخی دیگر به خشونت روانی در محیط خانه می‌پردازند.

به‌عنوان نمونه، در ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی اشاره شده که زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند که این حسن خلق شامل رفتار و گفتار می‌شود. در ماده ۱۱۱۵ نیز آمده است که اگر بودن زن با شوهر در یک خانه مشترک، موجب می‌شود که به زن آسیب جسمی، مالی و یا شرافتی وارد شود، زن می‌تواند خانه‌ای جدا اختیار کند و در صورتی که آن آسیب‌ها در دادگاه اثبات شود، دادگاه زن را مجبور به بازگشت به منزل شوهر نمی‌کند. تا زمانی که شرایط برای بازگشت زن مهیا نشود و زن معذور باشد از بازگشت به خانه شوهر، نفقه نیز بر عهده شوهر است.

۵. معماری، اشرف‌الملوک؛ رمیم، طیب؛ امیرمردادی، فرشته؛ خسروی، خدیجه؛ گودرزی، زهرا (۱۳۸۵). علل اقدام به خودکشی در زنان متأهل. مجله دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران (حیات) دوره ۱۲، شماره ۱، ص ۴۷-۵۳

۶. شمس خرم‌آبادی، منوچهر (۱۳۷۹). بررسی علل اقدام به خودکشی به روش خودسوزی از نظر مراجعین به بیمارستان شهدای عشایر شهر خرم‌آباد وابسته به دانشگاه علوم پزشکی لرستان سال ۱۳۷۸. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی.

طبق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی نیز در صورتی که دوام زوجیت برای زن موجب عسر و حرج (سختی و تنگنا) باشد، وی می‌تواند به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق کند؛ در صورت اثبات عسر و حرج دادگاه مرد را اجبار به طلاق می‌کند. عسر و حرج موضوع این ماده عبارتست از به‌وجود آمدن وضعیتی که ادامه زندگی را برای زن با مشقت همراه کند و تحمل آن مشکل باشد، مانند ترک زندگی خانوادگی توسط شوهر حداقل به مدت شش ماه متوالی و یا نه ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه و ضرب و شتم یا هرگونه سوءرفتار مستمر مرد که برای زن قابل تحمل نباشد.

یکی از انواع خشونت خانگی، خشونت اقتصادی است. در ماده ۶۲۴ قانون مجازات اسلامی ذکر شده که اگر شوهر با وجود توان مالی، به زن خود نفقه و خرجی ندهد یا از دادن خرجی دیگر افرادی که تحت نفقه‌ی او هستند، خودداری کند، دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه به حبس محکوم می‌کند.

همان‌طور که گفته شد قوانینی که در راستای مقابله با خشونت علیه زنان وضع شده‌اند، پراکنده هستند و هنوز قانون کامل و جامعی در این باره تدوین نشده است. همچنین، نواقص و خلأهای زیادی در این زمینه دیده می‌شود، برای نمونه در این قوانین به موارد مختلفی که مصداق خشونت تلقی می‌شوند، اشاره‌ای نشده است. از سوی دیگر، با توجه به تغییراتی که در الگوهای زیست جامعه صورت گرفته مصادیق مرتبط با خشونت علیه زنان و الگوهای آن تغییراتی یافته است که ضرورت تدوین قوانین مناسب و رفع خلأها و روزآمدسازی قوانین را بیش از پیش برجسته می‌سازد.

رویکرد و خصوصیات قانون پیشنهادی

- «چهاردیواری اختیاری» نیست

قوانین منع خشونت خانگی به این دلیل وضع می‌شوند که خانه برخلاف آنچه بسیاری فکر می‌کنند، برای همه جای امنی نیست. مردان، زنان، کودکان و سالمندان در خانواده به یک اندازه قدرت ندارند. مهم‌ترین چیزی که یک قانون منع خشونت خانگی به ما می‌گوید همین است که خشونت ممکن است از جانب نزدیک‌ترین اقوام زن مانند پدر، برادر، همسر و غیره نسبت به او اعمال شود و زنان در مقابل این خشونت به حمایت نیاز دارند. وقتی برای منع خشونت خانگی قانون تصویب می‌کنیم به معنی این است که هر چیزی که در «چهاردیواری‌ها» اتفاق می‌افتد، نباید «اختیاری» باشد.

در قانون پیشنهادی نه تنها کتک زدن زن بلکه توهین، تحقیر و تهمت زدن به او نه یک اتفاق کوچک بلکه یک عمل مجرمانه است. این که کسی دائم دیگری را تحت نظر بگیرد و تعقیب کند، نشانه‌ی دوست داشتن نیست و خشونت محسوب می‌شود. قانون منع خشونت خانگی می‌گوید آزار جنسی فقط از طرف غریبه‌ها نیست و این که زن و مردی با یکدیگر ازدواج کرده‌اند، به این معنی نیست که مرد حق دارد بدون رضایت زن هر رفتار جنسی‌ای با او داشته باشد. در بیشتر خانواده‌ها مردان قدرت اقتصادی بیشتری دارند. نه تنها محروم کردن زن از دسترسی به اموال یا پول خودش خشونت است، بلکه ممکن است خانه‌ای که زن با مرد در آن زندگی می‌کند، به اصطلاح به نام زن خریده یا اجاره نشده باشد ولی مرد حق ندارد او را از خانه بیرون کند و اگر این کار را کند، طبق قانون منع خشونت خانگی مرتکب خشونت اقتصادی شده است. زنان هم مانند مردان حق دارند هر وقت بخواهند برای کار، تحصیل، دیدن دوستان یا بستگان و هر منظور دیگری از خانه خارج شوند و محروم کردن آن‌ها از این حق طبق این قانون جرم محسوب خواهد شد. این همه مثال‌هایی از پنج دسته خشونت جسمی، روانی، جنسی، اقتصادی و اجتماعی است که در قانون پیشنهادی آمده‌اند.

- قانونی برای «مراقبت» از خشونت‌دیده

قربانی خشونت خانگی مانند کسی نیست که در یک دعوا در خیابان کتک خورده باشد. او از طرف نزدیکانش، کسانی که قرار است به او احساس شادی و آرامش دهند و خیلی اوقات در خانه اش، جایی که قرار است احساس امنیت کند، مورد خشونت قرار گرفته است. این همه باعث می شود او احساس ناامنی شدیدی داشته باشد. خشونت دیده ممکن است برای پیگیری حقوق خود احساس خجالت یا نابلدی کند یا چیزهایی را فراموش کند. قانون نهادها و اشخاصی را مشخص می کند که در این شرایط به طور رایگان به او کمک کنند. لازم است او از حقوق قانونی خود کاملاً آگاه شود و کسی همراهش باشد تا به او مشورت دهد و در بازگویی خشونت به او کمک کند. سازمان های مسئول باید برای رسیدگی به موارد خشونت، کارکنان زن هم داشته باشند. ممکن است وضعیت خشونت دیده آن قدر بحرانی باشد که از ماندن در خانه ی خود احساس خطر کند. خانه های امن مکان هایی هستند که به زنان خشونت دیده پناه می دهند و همچنین وظیفه دارند که به آن ها کمک کنند که سلامت جسمی و روانی خود را به دست بیاورند و قدرت خود را افزایش دهند.

• خشونت گر مجازات می شود؟

مهم است بدانیم قانون منع خشونت نمی خواهد از کسی که خشونت را انجام داده، انتقام بگیرد. هدف آن است که خشونت هر چه سریع تر متوقف شود و خشونت دیده در امنیت قرار بگیرد. برای مثال کسی که خشونت را مرتکب شده است، از نزدیک شدن به محل زندگی، کار و تحصیل خشونت دیده یا حتی در صورت لزوم کسانی که به او کمک می کنند مانند شاهدان حادثه و دوستان و بستگان او منع می شود. البته در موارد شدید خشونت از حبس های کوتاه مدت یا میان مدت هم استفاده می شود. در سطح کلان تر قانون نهاد های رسمی را ملزم می کند که از طریق سیاست گذاری و آموزش گسترده در مسیر از بین بردن خشونت علیه زنان گام بردارند. به طور کلی در این قوانین به حمایت از خشونت دیده و پیشگیری از خشونت بیشتر از تعیین مجازات توجه می شود.

• مبارزه با خشونت یک مسئولیت همگانی است

خیلی وقت ها وقتی زنی مورد خشونت قرار می گیرد، از خویشاوندان و همسایه ها گرفته تا پلیس و قاضی با نیت های «خیرخواهانه» می خواهند او را از پیگیری قانونی منصرف کنند؛ بدون توجه به

این‌که ماندن در یک رابطه‌ی پرخشونت می‌تواند هر لحظه بیشتر او را در معرض خطر قرار دهد. طبق قانون پیشنهادی اگر کسی که به زن برای صرف‌نظر کردن از شکایتش فشار می‌آورد، یکی از مسئولان قانونی باشد، مثلاً پلیسی باشد که زن برای کمک گرفتن به او پناه آورده است، این عمل پلیس تخلف است و با او برخورد می‌شود. دیگر افرادی هم که ممکن است سروکارشان با خشونت خانگی بیفتد، در مورد آن مسئول هستند. برای مثال اگر پزشکی از وقوع یک خشونت خانگی باخبر شود، باید آن را به نهادهای مربوطه گزارش دهد. در یک جامعه مردسالار گاهی همه‌چیز دست به دست هم می‌دهد تا خشونت‌دیده بیشتر ساکت و خشونت علیه او بیشتر ادامه پیدا کند. پلیس، قاضی و دیگر مسئولان نباید برای رسیدگی به پرونده‌های خشونت وقت را هدر دهند و رسیدگی به پرونده‌های خشونت باید فوری صورت بگیرد.

معرفی کارزار منع خشونت خانوادگی

کارزار منع خشونت خانوادگی یک حرکت جمعی و مستقل است که توسط جمعی از مدافعان حقوق زنان راه‌اندازی شده است. هدف این کارزار «تلاش برای تصویب قانون مقابله با خشونت خانوادگی علیه زنان» از طریق «آگاهی‌رسانی عمومی» و «رسیدن به اجماع در جامعه مدنی» است.

برای تحقق این هدف، اقدامات زیر مدنظر است:

۱. ارائه پیش‌نویس قانون پیشنهادی منع خشونت خانگی علیه زنان و نظرخواهی از متخصصان (هم‌چون حقوق‌دانان، جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان، مددکاران اجتماعی، روانشناسان)، کنشگران، گروه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه‌ی مسائل زنان و همچنین جمع‌آوری و ثبت پیشنهادهای زنان خشونت‌دیده در مناطق مختلف ایران از طریق گفت‌وگوی چهره به چهره، برگزاری نشست، کارگاه‌های مشورتی و مکاتبه برای تکمیل پیش‌نویس قانون خشونت خانگی علیه زنان.
۲. جلب حمایت سازمان‌ها و افراد اثرگذار جامعه مدنی هم‌چون مدافعان حقوق کودکان، تشکل‌های کارگری، مدافعان حقوق معلمان و پرستاران، محافظان محیط‌زیست، اصحاب رسانه، هنرمندان، ورزشکاران و ... از طریق گفتگو و رایزنی.

۳. آگاهی‌رسانی عمومی با در نظر گرفتن بافت اجتماعی مناطق مختلف ایران و جلب حمایت اقشار مختلف زنان از طریق تولید و انتشار محصولات چندرسانه‌ای؛ و برگزاری کارگاه‌ها، نشست‌های عمومی و میزگردهای رسانه‌ای.
۴. مستندسازی روایت‌ها و تجارب زیسته زنان در زمینه‌ی خشونت خانوادگی علیه زنان از مناطق مختلف ایران از طریق:

- ثبت تجارب بازماندگان خشونت خانوادگی و شاهدان از طریق گفت‌وگوی چهره به چهره و برگزاری کارگاه‌های مشورتی.
- ثبت تجارب افرادی که در پروسه حمایت از بازمانده به‌صورت قضایی یا غیرقضایی نقش داشته‌اند از جمله مددکار، روانشناس، مشاور، وکیل و امثال آن.

شما می‌توانید عضوی از کارزار «منع خشونت خانوادگی» باشید. شیوه اصلی کار این کارزار ترویج از طریق فعالیت میدانی و رسانه‌ای است. هر فردی در هر کجای ایران و هر ایرانی در خارج از ایران، چنانچه با متن این فراخوان موافق باشد و اصول و اهداف آن را بپذیرد، می‌تواند به این کارزار بپیوندد، در راستای اهداف آن گام بردارد یا حمایت خود را از این حرکت جمعی اعلام کند.

زمان این کارزار یک سال است که از آذر ۱۳۹۵ تا آذر ۱۳۹۶ ادامه دارد. انتخاب آذرماه به دلیل دهه مقابله با خشونت علیه زنان و ۱۶ روز اقدام جمعی برای مقابله با آن انتخاب شده است.

ضرورت ثبت تجارب و روایت‌ها

طبق رسوم عادت‌مان داده‌اند وقتی خشونت در حریم خانه و خانواده رخ می‌دهد، نادیده‌اش بگیریم، کتمان‌ش کنیم، درباره‌اش سکوت کنیم و در نهایت فراموشش کنیم. مبدا دیگران از اتفاقات ناخوشایند خانه ما با خبر شوند. جای کبودی صورت را با عینک و آرایش پنهان می‌کنیم و افسردگی ناشی از تحقیر را با خنده‌های تصنعی منکر می‌شویم، تا جلوی غریبه‌ها آبرویمان نریزد. اما در نهایت، مشکل همچنان به قوت خود باقی می‌ماند؛ و باز هم ممکن است خشونت جدیدی اتفاق بیافتد، چه بسا شدیدتر از مرتبه پیش.

پنهان کردن، کتمان کردن، سکوت کردن و فراموش کردن خشونت، چاره کار نیست. چراکه خشونت صرفاً مسئله‌ای شخصی نیست. راه چاره، کمک گرفتن از دیگران است. برای اینکه از هم کمک بگیریم، لازم است همدیگر را مطلع کنیم. دردِ خشونت را به تنهایی تحمل کردن و داستانمان را در دل خود نگاه داشتن، جز ضعف بیشتر ثمری ندارد. لازم است با دیگران دردِ دل کنیم. حتماً خیلی از ما، تجربه‌ها و روایت‌های مختلفی درباره خشونت داریم؛ خشونتی که بر خودمان یا اطرافیانمان رفته است. گفت و شنود درباره این تجربه‌ها، زمینه‌ساز جستجوی راه چاره‌ای جمعی است. برای مقابله و منع خشونت خانوادگی نیازمند شجاعت و اراده‌ای جمعی هستیم. شکل‌گیری این اراده جمعی به اتکا بازگویی تجربه‌ها و روایت‌هایی است که هر کدام از ما با خود به همراه داریم.

خشونت، تا زمانی که پنهان باشد؛ باقی می‌ماند. لازم است سکوتمان را بشکنیم و صدایمان را بلند کنیم تا بتوانیم از تکرار خشونت جلوگیری کنیم. افشا کردن و روایت کردن تجربه‌های خشونت هم چرخه آن را متوقف می‌کند؛ هم زمینه شکل‌گیری اراده‌ای جمعی و مسئولانه را برای محو آن در اجتماع مهیا می‌سازد. به همین خاطر در این کارزار، شیوه فعالیت و مشارکت را بر ثبت تجربه‌ها و روایت‌ها و در نهایت انتشار آن‌ها قرار داده‌ایم. به هر شیوه‌ای که برایتان مقدور است و تمایل دارید، تجربه‌تان را با ما به اشتراک بگذارید. می‌توانید بنویسید، یا اینکه صدای خود را ضبط کنید، یا به تصویر بکشید. با کمک یکدیگر تلاش خواهیم کرد تا از این طریق صدایمان را برای منع خشونت خانوادگی بلند کنیم.

اصول و قواعد ثبت تجارب و روایت‌ها

اگر تمایل داشتیم به‌عنوان فعال و کنشگر این کارزار، تجارب و روایت‌های دیگران را ثبت و ضبط کنید، با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع خشونت خانوادگی، به‌ویژه عواقب ناخوشایندی که برای افراد نجات‌یافته از خشونت به دنبال دارد، لازم است اصول و نکات زیر را رعایت کنید:

- خود را به‌درستی معرفی کنید و هدفتان را برای ثبت تجربه آن‌ها توضیح دهید. چراکه برای نجات‌یافتگان خشونت خانوادگی بسیار ضروری است که بدانند شما قصد دارید روایت و تجربه آن‌ها را منتشر کنید تا اگر رضایت داشتند گفتگو ثبت و ضبط شود.

- برای ایجاد اعتماد عجله نکنید و سعی کنید ضمن احترام به شرایط افراد خشونت دیده، شرایط آن‌ها را درک کنید تا احساس امنیت به تدریج ایجاد شود.
- نه یعنی نه! هرگز کسی را مجبور نکنید درباره رویدادی آسیب‌زا صحبت کند، مخصوصاً اگر مشکل تجاوز یا تعرض جنسی باشد. به حق افراد خشونت دیده در گفتن «نه» احترام بگذارید.
- قطع کردن صحبت‌های فرد خشونت دیده درباره یک رویداد ناگوار، آن هم پس از آن‌که شروع صحبت از رنج خود کرده است، به احساسات او بیشتر آسیب می‌زند و نشان‌دهنده بی‌اعتنایی است.
- بدون قضاوت گوش کنید و هرگز نجات‌یافته خشونت را سرزنش نکنید. به‌ویژه حواستان باشد که زبان بدن تان و اشاره‌های صورت‌تان سرزنش و ناباوری را به طرف مقابل منتقل نکند.

شیوه‌های ثبت روایت‌ها و تجارب

- اتفاقی که بر ما رفته است را به ساده‌ترین شکل بنویسیم و نگران نوع نوشتن مان نباشیم.
- می‌توانیم صدای دیگرانی بشویم که خشونت دیده‌اند و روایت آن‌ها را ضبط کنیم.
- همه لحظه‌های رنج زنان خشونت دیده را به تصویر بکشیم با نقاشی، عکس یا فیلم.

برای اطلاعات بیشتر:

علاقه‌مندانی که می‌خواهند در این کارزار مشارکت کنند، می‌توانند از طریق ایمیل pdvc.ir@gmail.com تماس بگیرند.

کانال تلگرام برای اطلاع رسانی درباره کارزار: @pdvcir